



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۳ / شماره ۲ (پیاپی ۵۰) / تابستان ۱۴۰۳
صفحه ۹۵ تا ۱۰۹

عوامل موثر بر مدیریت ریسک سازمانی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدحسین پوراحمدی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

غلامرضا فرساد امان الهی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول
g.f1966@yahoo.com

زهرا لشگری

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

چکیده

مدیریت ریسک سازمانی می‌تواند سطوح ریسک را شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل نموده و نقشی نظارتی را ایفا کند. این موضوع مورد توجه شرکت‌ها در سالهای اخیر بوده است. هدف از این مطالعه، تعیین میزان اجرای برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی و بررسی عوامل موثر بر آن در ۱۱۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۸ می‌باشد. در این تحقیق عوامل موثر بر مدیریت ریسک سازمانی با استفاده از عواملی نظیر اندازه شرکت، فرصت رشد، بازده دارایی‌ها اهرم مالی و سود تقسیمی مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داده‌اند که عامل اندازه شرکت با ضریب ۰.۲۸۵۳ و فرصت رشد با ضریب ۰.۲۳۴۹ تاثیر مثبتی بر مدیریت ریسک سازمانی دارد. همچنین اهرم مالی با ضریب منفی ۰.۰۳۹۳۵ و سود تقسیمی با ضریب منفی ۰.۰۱۰۹۵ رابطه معناداری با مدیریت ریسک سازمانی ندارد. به عبارتی در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیرهای اندازه شرکت، فرصت رشد، بازده دارایی‌ها بر مدیریت ریسک سازمانی تاثیر داشته و متغیرهای اهرم مالی، سود تقسیمی بر مدیریت ریسک سازمانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر ندارد. به عبارتی مدیریت ریسک سازمانی می‌تواند عملکرد عملیاتی و افزایش ارزش شرکت را بهبود بخشد و شرکت‌هایی که به علت عدم اطمینان محیطی در معرض ریسک بالا هستند از تاثیرات نامطلوب ریسک جلوگیری و کنترل کند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ریسک سازمانی اندازه شرکت، فرصت رشد، بازده دارایی‌ها اهرم مالی، سود تقسیمی.

۱- مقدمه

علاقه به مدیریت ریسک سازمانی در سال‌های اخیر رو به رشد بوده است. سازمان‌های متعددی برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی را اجرا کرده یا در نظر گرفته‌اند، شرکت‌های مشاوره واحدهای مدیریت ریسک سازمانی تخصصی ایجاد کرده و آژانس‌های رتبه بندی شروع به بررسی مدیریت ریسک سازمانی در فرآیند رتبه بندی نموده‌اند و دانشگاه‌ها دوره‌ها و مراکز تحقیقاتی مربوط به مدیریت ریسک سازمانی را توسعه داده‌اند. بر خلاف مدیریت ریسک-های سنتی که در آن ریسک‌های فردی به طور جداگانه بررسی می‌شوند، مدیریت ریسک سازمانی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا طیف گسترده‌ای از خطرات را با روشی یکپارچه و در سطح سازمانی مدیریت کنند. کارشناسان صنعت معتقدند که مدیریت ریسک سازمانی، از طریق کاهش نوسانات قیمت سهام، کاهش هزینه‌های سرمایه خارجی، افزایش کارایی سرمایه و ایجاد هم افزایی بین فعالیت‌های مختلف مدیریت ریسک، موجب سودآوری بیشتر بنگاه‌ها می‌شود (ملبروک، ۲۰۰۲؛ بیسلی و همکاران، ۲۰۰۸).

گفته می‌شود که مدیریت ریسک سازمانی باعث افزایش آگاهی در مورد ریسک شده و تصمیم‌گیری عملیاتی و استراتژیک بهتر را تسهیل می‌کند. علیرغم علاقه قابل توجه به مدیریت ریسک سازمانی توسط دانشگاهیان و دست‌اندرکاران و فراوانی شواهد نظرسنجی در مورد ویژگی‌های برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی، فقدان شواهد تجربی روشن در ارتباط با ارزش برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی همچنان مشهود می‌باشد (لیبنبرگ و هویت، ۲۰۰۳؛ بیسلی و همکاران، ۲۰۰۵).

در حال حاضر شرکت‌ها و کسب و کارهای ایرانی در شرایط خاصی از نظر اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته‌اند؛ پیچیده شدن محیط فعالیت این شرکت‌ها موجب می‌شود که کسب و کارها در معرض انواع مختلف ریسک قرار گیرد که قبلاً با آنها کمتر سر و کار داشته‌اند. هدف از این مطالعه اندازه‌گیری برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی و سپس ارزیابی پیامدهای ارزشی این برنامه‌ها است. اگرچه فعالیت‌های مدیریت ریسک سازمانی توسط شرکت‌ها به طور کلی مورد توجه است، اما در این تحقیق روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران متمرکز شده تا علاوه بر دسترسی بهتر به اطلاعات آماری، اختلافاتی را که ممکن است ناشی از اختلاف نظارتی و بازار در صنعت باشد، کنترل شود.

نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند در حوزه مدیریت ریسک مورد علاقه و توجه طیف وسیعی از جمله مراجع گوناگون تدوین استانداردهای حسابداری، نهادهای قانون‌گذار مثل بورس‌های اوراق بهادار و نهادهای نظارتی آنها، مدیران شرکت‌ها و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و اطلاعات حسابداری باشد.

۲- بیان مسأله پژوهش

اگرچه تحقیقات اندکی در مورد انگیزه‌های مدیریت ریسک سازمانی انجام شده، اما عوامل تعیین‌کننده فعالیت‌های مدیریت ریسک سنتی از جمله حمایت مالی و خرید بیمه شرکت‌ها به خوبی مستندسازی شده‌اند. شرکت‌ها سال‌هاست که ریسک را مدیریت می‌کنند. از لحاظ تاریخی، آن‌ها این کار را با خرید بیمه انجام داده‌اند: بیمه دارایی، آتش‌سوزی، بلایای طبیعی، بیمه مسئولیت، بیمه درمان و سایر موارد از این جمله هستند. با این حال

ریسک‌های مرتبط با کسب و کار ماهیت جدید دارند و در گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این ریسک‌ها وقتی از منظر سیاست تأمین مالی بنگاه‌ها در نظر گرفته شده، می‌تواند هزینه‌های اجرایی و بدهی‌های مالیاتی شرکت را افزایش دهد. بنابراین شرکت‌ها باید مدیریت ریسک سازمانی را اجرا کرده چرا که به طور بالقوه موارد زیر کاهش می‌یابد: (۱) هزینه‌های مربوط به تعارض منافع بین صاحبان و مدیران و بین سهامداران، (۲) هزینه‌های ورشکستگی مورد انتظار، (۳) بار مالیاتی شرکت و (۴) هزینه‌های نظارت (هویت و کنگ، ۲۰۰۰؛ کول و مک کالو، ۲۰۰۶).

اگرچه مزایای فردی فعالیت‌های مختلف مدیریت ریسک واضح است، اما رویکرد سنتی در مدیریت ریسک معایبی دارد. مدیریت هر طبقه از ریسک بصورت جداگانه به دلیل عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف مدیریت ریسک ناکارآمدی ایجاد می‌کند. شرکت‌هایی که در مدیریت ریسک سازمانی فعالیت می‌کنند باید بتوانند ریسک کل ذاتی در فعالیت‌های مختلف تجاری را بهتر درک کنند. این امر باید مبنای عینی‌تری برای تخصیص منابع ایجاد کند، بنابراین کارایی سرمایه و بازده سهام را بهبود می‌بخشد. سازمان‌هایی که طیف گسترده‌ای از فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارند، از احتمال انتخاب سرمایه‌گذاری بر اساس نرخ تنظیم دقیق‌تر ریسک نسبت به روش‌های سنتی مدیریت ریسک بهره‌مند می‌شوند (ملبروک، ۲۰۰۲).

مدیریت ریسک سازمانی ساختاری را فراهم می‌کند که تمام فعالیت‌های مدیریت ریسک را در یک چارچوب یکپارچه فراهم می‌کند. بنابراین، اگرچه فعالیت‌های مدیریت ریسک فردی می‌تواند نوسانات سود را از یک منبع خاص (ریسک، ریسک نرخ بهره و غیره) کاهش دهد، اما یک استراتژی مدیریت ریسک سازمانی با هدف جلوگیری از جمع شدن ریسک در منابع مختلف را کاهش می‌دهد. با توجه به اهداف و مطالب ارائه شده در مقدمه به این سوال پاسخ داده خواهد شد که: چه عواملی بر مدیریت ریسک سازمانی تأثیر می‌گذارد؟

۳- پیشینه پژوهش

مدیریت ریسک سازمانی همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز در متون و نوشتارهای مالی بوده است و در این بخش به برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود:

جلیوند و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی پیاده سازی مدیریت ریسک سازمانی، شناسایی، تحلیل و ارزیابی شرکت‌ها مختلف با عنوان موضوعی «نهاد مالی فعال در بازار سرمایه ایران» در سال ۱۳۹۵ پرداختند. ریسک‌های موجود در سطح شرکت مطالعه شده، با استفاده از روش‌های چک‌لیست، تراوش ذهنی (طوفان مغزی) و کانون تمرکز شناسایی شده و پس از آن با فن نظرسنجی از خبرگان در سطح شرکت، احتمال رخداد و میزان اثر هر ریسک بر عملکرد شرکت به دست آمده و سپس نقشه ریسک شرکت برای مشخص کردن جایگاه هر کدام از ریسک‌های موجود برای در پیش گرفتن راهبردهای لازم برای مدیریت آنها طراحی شد. نتایج نشان داد ریسک‌های رقابت، سیاسی، نیروی انسانی، بازار، نقدینگی، قوانین و مقررات، اعتباری، شهرت و اعتبار، حاکمیت شرکتی، نقد شوندگی، سیستماتیک، عملیاتی، سرمایه و رویداد به ترتیب در رتبه‌های اول تا چهاردهم قرار دارند.

والا (۱۳۹۸) به بررسی سطح‌بندی شاخص‌های موثر بر مدیریت ریسک سازمانی با استفاده از تکنیک ISM پرداخت. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی و از نوع مطالعه موردی می‌باشد. با استفاده از تکنیک ISM شاخص‌های مورد مطالعه سطح بندی و عوامل تغییر در محیط سیاسی و عدم شفافیت‌داری‌ها به عنوان تاثیر گذارترین شاخص‌ها و عامل تغییر سلايق به عنوان تاثیر پذیرترین شاخص شناسایی شدند.

قادری و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که شیوه‌های مدیریت ریسک سازمانی متأثر از سوگیری‌های رفتاری و بیش‌اطمینانی مدیران بوده و اثربخشی خود را از دست خواهد داد، لذا اثر اطمینان بیش از حد مدیران بر مدیریت ریسک پذیرفته می‌شود.

شیدایی (۱۳۹۶) به بررسی شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر ریسک لیزینگ پرداخت. در این پژوهش پس از دریافت نظرات افراد خبره از طریق پرسشنامه، انواع ریسک‌های موجود در صنعت لیزینگ شناسایی شده و پس از بررسی همبستگی، بر اساس روش AHP رتبه بندی گردیدند. جهت تعیین پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ و برای احراز روایی آن از نظرات متخصصان و اساتید استفاده شد. در تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید. در مجموع کلیه عوامل مطرح شده در فرضیات تحقیق از جمله ریسک‌های عملیاتی، ریسک نقدینگی، نرخ بهره، ریسک شهرت، ریسک اعتباری، ریسک قانونی و ریسک پرتفولیوی از ریسک‌های مهم و با اهمیت در صنعت لیزینگ و شرکت واسپاری ملت می‌باشد و بین ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، نرخ بهره، ریسک شهرت، ریسک عملیاتی، ریسک قانونی، ریسک پرتفولیوی و زیر فاکتورهای آن در واسپاری ملت رابطه معناداری وجود دارد.

عسگرنژاد نوری و امکانی (۱۳۹۶) دریافتند که مدیریت اثربخش ریسک بر نرخ بازده دارایی‌ها و رشد ارزش بازار، تأثیر مثبت دارد. اهرم مالی تنها در ارتباط بین مدیریت اثربخش ریسک و نرخ بازده دارایی‌ها نقش واسطه‌ای داشته و همچنین نقش واسطه‌ای سرمایه‌فکری نیز فقط در ارتباط بین مدیریت اثربخش ریسک و رشد ارزش بازار دارد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین استفاده از فنون مدیریت ریسک و عملکرد سازمان پرداختند. جامعه آماری شامل تمامی شرکت‌های فعال در صنعت غذایی که بیش از یک سال از تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران گذشته است. در این پژوهش برای کمی‌سازی میزان استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه، از مدل ارائه شده در کتاب کوزو و همچنین و در نهایت برای بررسی رابطه متغیر مستقل (میزان استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه) و متغیر وابسته (عملکرد بنگاه) پس از استاندارد سازی داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه رابطه معنی‌دار مثبتی با عملکرد سازمان دارد، همچنین در بررسی فرضیه‌های فرعی، تنها مدیریت ریسک‌های استراتژیک، هیچ گونه رابطه معنی‌داری با عملکرد سازمان ندارد.

جانسون و سویلو (۲۰۲۰) به بررسی ارتباط بین برنامه مدیریت ریسک سازمانی و خطای تخمین اقلام تعهدی با استفاده از یک نمونه از ۱۱،۵۳۸ مشاهدات در ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج نشان داد که داشتن یک برنامه مدیریت

ریسک سازمانی با خطای تخمین ارقام تعهدی ارتباط منفی دارد و همچنین داشتن یک برنامه مدیریت ریسک سازمانی با ارقام تعهدی غیر عادی همراه است. نتایج تحقیق مطابق با این تئوری است که مدیریت ریسک سازمانی درک مدیران از شرکت و خطرات بالقوه آن را بهبود می بخشد.

موسلیح (۲۰۱۹) به بررسی مزایای مدیریت ریسک سازمانی برای افزایش عملکرد شرکت پرداخت. در این تحقیق از روش کمی استفاده و شرکت هایی که در بورس اوراق بهادار اندونزی قرار دارند انتخاب گردیدند. صد و هشت پرسشنامه توسط پاسخ دهندگان کامل و از روش های رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه معنی داری بین مدیریت ریسک سازمانی با عملکرد شرکت وجود دارد. تأثیر مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت معنی دار بوده ولی تأثیر حاکمیت شرکت ها بر عملکرد شرکت ناچیز بود. داسیلوا و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط بین مدیریت ریسک سازمانی و ارزش شرکت (اندازه گیری شده توسط نسبت توبین) را در ۶۴۹ مشاهده در بورس اوراق بهادار برزیل طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج نشان داد بین ارزش شرکت و استفاده از روش مدیریت ریسک سازمانی ارتباط مثبت وجود دارد که با اکثر مطالعات بین المللی همسو است.

اتگس و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که تصویب مدیریت ریسک سازمانی برای سازمان های مراقبت بهداشتی موجب تحریک و تبدیل شدن به یک اولویت شده و تقاضای ارزیابی جهت ارزیابی ریسک در میان مدیران ریسک مراقبت های بهداشتی رایج است.

۴- مبانی نظری و تدوین فرضیه ها

در محیط پویای جهانی معاصر، به خصوص از اواسط دهه ۱۹۹۰، مدیریت ریسک به تدریج مورد توجه بیشتر شرکت ها قرار گرفت. به طور خاص، به دنبال رسوایی انرون، مدیریت ریسک سازمانی به عنوان مکانیسمی برای بهبود قابلیت اطمینان صورت های مالی مورد توجه قرار گرفته است. بولینگ و ریگر (۲۰۰۵)، معتقدند که در دوران پس از انرون با توجه به افشای مالی، برای بهبود حاکمیت شرکتی و افزایش مناسب در هزینه های انطباق، با توجه به تأثیر مدیریت ریسک در بهبود ارزش شرکت، بنگاه ها به توسعه آن پرداختند. بر این اساس مدیریت ریسک سازمانی پدیده ای نسبتاً جدید بوده و برخی از مطالعات هنوز در صدد بررسی این موضوع اند که مدیریت ریسک چگونه بر پردازش تصمیم ها در سازمان تأثیر می گذارند.

در یک تعریف، مدیریت ریسک سازمانی رویکردی سیستماتیک و یکپارچه از مدیریت کل ریسک هایی است که یک شرکت با آن روبه روست. در واقع مدیریت ریسک سازمانی، ساختاری مسئولیتی دارد که کمک می کند مدیریت، هدف خود را که حداکثر کردن ارزش دارایی های بنگاه است، انجام دهد. بر این اساس مدیریت ریسک سازمانی روشی است که در آن همه ریسک ها در چارچوبی هماهنگ و راهبردی مشاهده می شود (جلیلونودو دیگران، ۱۳۹۸).

گوردون و همکاران (۲۰۰۹) نشان می دهند که سیستم مدیریت ریسک سازمانی در عمل وجود ندارد و آن یک مفهوم احتمالی است. با توجه به ارزش سازمانی، مدیریت ریسک سازمانی نباید بر ارزش شرکت تأثیر بگذارد.

با این حال، به حداکثر رساندن ارزش سهام، اصلی‌ترین هدف مدیریت ریسک سازمانی برای سهامداران است. هویت و لیبرنگ (۲۰۱۱) همچنین نشان می‌دهند که مدیریت ریسک سازمانی می‌تواند ارزش شرکت را افزایش دهد. از سوی دیگر، هزینه مستقیم توسعه سیستم مدیریت ریسک سازمانی و توجه مدیریت به آن ممکن است منجر به ارزش قابل فروش منفی برای شرکت شود. پیچیدگی در حال رشد عملیات شرکت، مدیریت ریسک را به طور فزاینده‌ای دشوار می‌سازد. محیط کسب و کار پیچیده‌تر، توسعه مدیریت ریسک سازمانی را به عنوان ابزاری برای کمک به مدیران در درک منابع ریسک و انواع استراتژی برای حل آنها ضروری ساخته است.

اسمیتسون و سیمکینز (۲۰۰۵) بررسی کاملی از ادبیات در مورد اهمیت ارزش مدیریت ریسک ارائه می‌دهند. اگرچه مطالعه آنها چهار سؤال خاص را مورد بررسی قرار می‌دهد، اما تمرکز آنها بر رابطه بین استفاده از مدیریت ریسک و ارزش شرکت بود. نتایج نشان داد که نرخ بهره و مدیریت ریسک ارزی توسط مؤسسات مالی و شرکت‌های صنعتی، مدیریت ریسک قیمت کالا توسط استفاده کنندگان و تولیدکنندگان کالا در نظر گرفته می‌شود.

مطالعات متعددی در ارتباط با مدیریت ریسک سازمانی و شناخت و اندازه‌گیری شاخص‌های آن انجام گرفته ولیکن بررسی عوامل موثر بر مدیریت ریسک سازمانی یکی از مسایل مغفول در این بین می‌باشد که توجه کمتری به آن شده است. اسمیتسون و سیمکینز (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به نقش عواملی از قبیل نرخ بهره، اندازه بنگاه، فرصت‌ها رو به رشد تجاری و سایر متغیرها بر مدیریت ریسک سازمانی پرداخته‌اند.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ احتمالاً برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی را اولویت خود قرار داده‌اند و بر این اساس، اندازه بنگاه در تحلیل مدیریت ریسک سازمانی حائز اهمیت است. از این رو، فرضیه زیر ارائه می‌گردد:

H1: اندازه شرکت بر مدیریت ریسک سازمان تأثیر می‌گذارد.

اهرم مالی ارزش شرکت را تا حدی افزایش می‌دهد که گردش مالی نقدی آزاد را کاهش دهد، در غیر این صورت توسط مدیران در پروژه‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود (جنسن، ۱۹۸۶). از طرف دیگر، اهرم مالی می‌تواند احتمال ورشکستگی را افزایش داده و صاحبان بنگاه را متحمل ریسک نماید. پاگچ و وار (۲۰۱۰) اظهار داشتند که رابطه بین پذیرش مدیریت ریسک سازمانی و اهرم مالی نامشخص است. لیبرنگ و هوت (۲۰۰۳) دریافتند که شرکت‌هایی که اهرم مالی بیشتری دارند، احتمالاً مدیر ارشد ریسک را منصوب می‌کنند. بنابراین:

H2: اهرم مالی بر مدیریت ریسک سازمان تأثیر می‌گذارد.

آلابانیس و واتسون (۲۰۰۱) با استفاده از نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به فروش، هزینه‌های سرمایه به دارایی‌ها، تأثیر فرصت‌های رشد را روی ارزش شرکت کنترل کردند. بنگاهی با فرصت‌های رشد بیشتر، به دلیل وجوه نقد آتی موجود با درجه‌ایی از عدم اطمینان مواجه هستند و بر این اساس می‌خواهند که سیستم مدیریت ریسک سازمانی را اجرا نمایند. خصوصاً مدیریت ریسک سازمانی نه تنها موجب کاهش ریسک می‌شود، بلکه روش‌های بهینه‌ایی را فراهم می‌آورد تا فرصت‌های رشد بالقوه محقق شوند (پاگچ و وار، ۲۰۱۰).

H3: فرصت‌های رشد بر مدیریت ریسک سازمان تأثیر می‌گذارد.

یکی از مزایای عمده اجرای مدیریت ریسک سازمانی کاهش تغییرپذیری سود است. بنابراین می توان انتظار داشت افزایش تغییرپذیری سود، احتمال استفاده از یک سیستم جامع ریسک را افزایش دهد. لینبرگ و هویت (۲۰۰۳) استدلال می کنند که شرکت هایی که بدنبال سود بیشتری هستند باید از برنامه های مدیریت ریسک سازمانی که اهداف و استراتژی های مدیریت ریسک را با افراد خارج از سازمان ارتباط می دهند، استفاده کنند. پاکچ و وار (۲۰۱۰) فرض می کنند که تصویب مدیریت ریسک سازمانی به ابهامات دارایی های در زمان انحلال به منظور جلوگیری از نگرانی مالی، کمک می نماید. از این رو:

H4: سودآوری بر مدیریت ریسک سازمان تأثیر می گذارد.

آلایانیس و واتسون (۲۰۰۱) دریافتند سرمایه گذاران ممکن است فرصت های رشد شرکت را به عنوان یک نشانه در نظر گرفته و به پرداخت سود نقدی به شکل سود سهام توجه کنند. اگر این اتفاق بیفتد، پرداخت سود سهام تأثیر منفی بر ارزش شرکت خواهد گذاشت. از طرف دیگر سود سهام باعث کاهش گردش نقدی آزاد می شود که این موجب می شود مدیران کمتر بتوانند آن را مورد استفاده قرار دهند، پیش بینی می شود پرداخت سود سهام بر ارزش شرکت تأثیر مثبت بگذارد. طبق استاندارد و پورز (۲۰۰۵)، شرکت هایی که نسبتاً پیچیده تر هستند، احتمالاً از تصویب برنامه های مدیریت ریسک سازمانی سود بیشتری خواهند برد و سود تقسیمی نیز افزایش یابد. انتظار می رود هر سود تقسیمی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت داشته باشند زیرا شرکت های متنوع از خطرات پیچیده تری نسبت به سایر شرکت ها روبرو هستند.

H5: سود تقسیمی بر مدیریت ریسک سازمان تأثیر می گذارد.

۵- روش پژوهش

این پژوهش از نوع تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی مالی می باشد. در این پژوهش اطلاعات مالی از صورت های مالی و یادداشت های مربوط به شرکت های مورد مطالعه و با کمک لوح های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار تهران استفاده می شود. روش پژوهش فوق استقرائی و کمی است، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه ای، مقالات و مسیر سایت ها به صورت قیاسی و گردآوری اطلاعات و داده ها برای آزمون فرضیه ها در قالب استقرائی انجام گرفته است. از آنجایی که نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در فرآیند تصمیم گیری استفاده شود، این پژوهش از لحاظ هدف تحقیق، کاربردی می باشد. داده های مالی مورد نیاز با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران، گزارش های هفتگی و ماهنامه بورس اوراق بهادار و همچنین سایت های رایانه ای مربوط حاصل شده است.

جامعه آماری تحقیق، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ است. در این تحقیق به منظور نمونه گیری از روش غربالگری استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران انتخاب گردید و در نهایت شرکت هایی انتخاب شدند که شرایط زیر را دارا باشند:

سال مالی شرکت‌ها طی کل دوره قلمرو زمانی پژوهش به پایان اسفند ختم شوند. قبل از سال ۱۳۸۸ یا قبل از آن در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته و در دوره زمانی پژوهش تغییر در سال مالی نداشته باشند. جزء شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری مانند بانک‌ها و بیمه نبوده و اطلاعات مالی مورد نیاز در دسترس باشد. در نهایت با توجه به موارد فوق ۱۱۸ شرکت در دوره تحقیق به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه انتخاب گردید.

با این حال لازم است قبل از هر چیز خود مدیریت ریسک سازمانی، اندازه‌گیری شود که در این تحقیق برای اندازه‌گیری مدیریت ریسک (متغیر وابسته) از فنون COSO که مبتنی بر چهار شاخص مزیت رقابتی، بهره‌وری عملیاتی، کیفیت و اعتبار گزارش و رعایت قوانین و مقررات می‌باشد (موئلر، ۲۰۰۷) استفاده شده که به شرح زیر مدل سازی شده است:

$$1)ERM = \sum_{k=1}^2 Strat_k + \sum_{k=1}^2 Operak + \sum_{k=1}^2 Reportk + \sum_{k=1}^2 Complk$$

(Strat) مزیت رقابتی: در هنگام اجرای استراتژی شرکت‌ها، شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا مزیت رقابتی نسبت به شرکت کنندگان در همان صنعت را توسعه دهند. همه شرکت‌های صنعت خاص در بازار برای فرصت‌های فروش رقابت می‌کنند. بنابراین، فروش بیشتر برای شرکت x نسبت به فروش متوسط این صنعت نشان می‌دهد که شرکت x از رقبای به طور متوسط بالاتر است، که نشان می‌دهد که شرکت x به طور استراتژیک از مزایای رقابتی برخوردار است.

$$Strat_i = (Sales_i - IndSA_i) \div \sigma_{SALE_i}$$

که $Sales_i$ نشان دهنده فروش شرکت i است، $IndSA_i$ نشان دهنده میانگین فروش در یک صنعت و σ_{SALE_i} انحراف استاندارد فروش را برای همه شرکت‌های صنعت مشابه نشان می‌دهد.

(Opera) بهره‌وری عملیاتی: راندمان عملیاتی زمانی که نتایج خروجی، بیشتر از یک مقدار مشخصی از ورودی و یا زمانی که نتایج یکسان از خروجی با استفاده از ورودی کمتر است بهبود می‌یابد. راندمان عملیاتی بیشتر می‌تواند ریسک کلی شکست شرکت را کاهش و عملکرد عملیاتی را افزایش دهد. برای کارایی عملیات، گردش مالی دارایی است که به عنوان درآمد قبل از سود و مالیات ($EBIT_{it}$) تقسیم شده به مجموع دارایی‌های پایان سال (TA_{it}) تعریف شده است.

$$Opera_i = EBIT_{it} \div TA_{it}$$

(Rport) کیفیت و اعتبار گزارش: برای اندازه‌گیری کیفیت گزارش از قدر مطلق ارقام تعهدی عادی تقسیم بر مجموع ارزش مطلق ارقام تعهدی عادی و غیر عادی است.

$$Rport = |NormaAccr_{it}| / (|NormaAccr_{it}| + |AbnorAccr_{it}|)$$

(Compl) رعایت قوانین و مقررات: ما در این تحقیق به پیروزی از مدل گوردون و همکاران (۲۰۰۹) تعداد موارد عدم رعایت قوانین و مقررات که حسابرس و بازرس قانونی اقدام به گزارش آن در گزارش حسابرسی خود نموده است را به عنوان شاخص ارزیابی پایبندی شرکت به قوانین و مقررات در نظر گرفته ایم . پس از اندازه گیری مدیریت ریسک سازمانی، عوامل موثر بر آن مدل سازی می شود که در این ارتباط از رابطه زیر که بر اساس مدل ارائه شده در تحقیق هویت و لیبنبرگ (۲۰۱۱) می باشد استفاده می شود:

$$2) ERM = f (Size, Leverage, Sales growth, ROA, Div)$$

که بر اساس آن مدیریت ریسک سازمانی تابعی از اندازه بنگاه، اهرم مالی، رشد فروش، سودآوری و سود تقسیمی می باشد.

اندازه شرکت (Size): عبارت است از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت.

اهرم مالی (Leverage): از طریق نسبت کل بدهی به کل دارایی ها محاسبه می گردد.

فرصت رشد (Sales growth): برابر است با (فروش سال جاری - فروش سال قبل) تقسیم بر فروش سال قبل

بازده دارایی ها (ROA): نسبت سود خالص به کل دارایی ها محاسبه می گردد.

سود تقسیمی (Div): عبارت است از سود خالص تقسیم بر تعداد سهام عادی.

۶- تجزیه و تحلیل و نتایج پژوهش پژوهش

نخستین مرحله در هر تحلیل آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، محاسبه ی شاخص های توصیفی می باشد. بنابراین برای ورود به مرحله ی تجزیه و تحلیل اطلاعات، آماره ی توصیفی داده ها که شامل شاخص های مرکزی، پراکندگی و انحراف از قرینگی بوده و همچنین آزمون جارگ برا که توزیع نرمال پسماندها را بررسی می کند، محاسبه گردیده و نتایج در جدول (۱) درج شده است.

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی متغیرها (کل نمونه)

متغیر	مدیریت ریسک	اندازه شرکت	اهرم مالی	فرصت رشد	بازده دارایی	سود تقسیمی
میانگین	1.308	13.485	0.450	0.705	0.126	6.374
میانه	1.025	13.463	0.474	0.234	0.080	6.602
بیشینه	34.818	18.900	0.764	12.432	5.982	8.703
کمینه	-9.055	9.816	0.089	-0.233	-0.792	0.693
انحراف معیار	1.559	1.415	0.192	1.660	0.340	1.325
چولگی	10.057	0.519	-0.073	4.260	7.672	-1.4108
کشیدگی	193.849	3.968	1.533	22.623	100.53	5.596
مشاهده ها	۱۱۸۰	۱۱۸۰	۱۱۸۰	۱۱۸۰	۱۱۸۰	۱۱۸۰

منبع: یافته های پژوهشگر

مهمترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده، برای مثال میانگین مدیریت ریسک برابر با ۱.۳۰۸ می‌باشد، که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. پارامترهای پراکندگی، به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر مدیریت ریسک برابر ۱.۵۵۹ است که میزان پراکندگی متغیر مزبور را در اطراف میانگین نشان می‌دهد. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر مدیریت ریسک ۱۰۰۰۵۷ می‌باشد، یعنی این متغیر چولگی به راست دارد. میزان کشیدگی اگر حدود ۳ باشد، منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضعیت متعادل و نرمال خواهد داشت، اگر این مقدار بزرگتر از ۳ باشد منحنی برجسته و اگر کوچکتر از ۳ باشد منحنی پهن می‌باشد. کشیدگی کلیه متغیرها در این پژوهش بیشتر از ۳ است.

به منظور ارزیابی پایایی متغیرها و حصول اطمینان از عدم وجود ریشه کاذب در آنها از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو استفاده شد. شواهد نشان دادند احتمال آماره آزمون در تمام متغیرها کمتر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشند؛ بر این اساس متغیرها در سطح مورد بررسی پایا هستند. نتایج آزمون و پیش فرض‌های مدل‌های رگرسیونی در جدول ۲ ارائه شده‌اند. با توجه به جدول ۲ طبق آماره اف آزمون آرچ و معناداری آن که بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است، ناهمسانی واریانس خطاها وجود ندارد و از روش حداقل مربعات معمولی جهت آزمون مدل‌ها استفاده می‌شود. از آنجایی که سطح معناداری آزمون بریوش - گادفری بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است، مشکل خودهمبستگی بین خطاها وجود ندارد. همچنین طبق آماره اف لیمر آزمون چاو و معناداری آماره آن که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، آزمون مدل‌ها باید به روش ترکیبی انجام شود. طبق آماره کایدو آزمون هاسمن و معناداری آماره آن که بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است، آزمون مدل‌ها باید به روش اثرات تصادفی انجام شود.

جدول (۲) نتایج آزمون انتخاب الگوی مدل‌های رگرسیونی جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون	آماره	مقدار	معناداری	نتیجه آزمون
چاو	اف لیمر	۲۰۰۰	۰.۰۰۰	داده‌های ترکیبی
هاسمن	کای دو	۳.۱۳۹	۰.۰۶۷۸	اثرات تصادفی
بریوش - گادفری	اف	۱.۱۱۰	۰.۰۶۵۷	عدم خود همبستگی
آرچ	اف	۰.۰۰۰۹	۰.۹۷۵	ناهمسانی واریانس خطاها (حداقل مربعات تعمیم یافته)

هدف ما در این تحقیق، تبیین عوامل موثر بر مدیریت ریسک سازمانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. لذا می‌توان مدل را به شکل زیر تصریح نمود:

$$ERM = f(\text{Size, Leverage, Sales growth, ROA, Div})$$

پس از تبیین مدل و انتخاب بهترین روش، نتایج تخمین برای شرکت های منتخب به شرح جدول زیر است:

جدول (۳) نتایج مدل

مدیریت ریسک سازمانی			متغیر وابسته
معنی داری	آماره تی	ضرایب	متغیر توضیحی
0.0003	-3.595641	-2.609454	مقدار ثابت
0.0000	5.878188	0.285375	اندازه شرکت
0.8604	-0.175893	-0.039352	اهرم مالی
0.0000	5.010215	0.234924	فرصت رشد
0.0000	7.418324	1.042836	بازده دارایی
0.7682	-0.294757	-0.010954	سود تقسیمی
	۷۰۰.۲		ضریب تعیین
	۱۸۶۰.		ضریب تعیین تعدل شده
	۰۸۴۲.		دوربین واتسون
	۳.۲۱۵(۰.۰۰۰)		F(آماره) سطح معنی داری)

نتایج جدول ۳ نشان می دهد مقدار عددی ضریب تعیین تعدیل شده مدیریت ریسک سازمانی با متغیرهای مستقل و توضیحی ۰.۱۸۶ می باشد. یعنی ۱۸.۶ درصد تغییرات متغیر وابسته مدیریت ریسک سازمانی توسط متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، فرصت رشد، بازده دارایی ها و سود تقسیمی قابل توضیح است. مقدار آماره تی دوربین واتسون ۲.۰۸۴ می باشد و فاصله ی فاحشی با عدد ۲ نداشته و بر عدم وجود خودهمبستگی دلالت دارد. از سوی دیگر مقدار احتمال برآوردشده برای آماره ی F برابر با ۰.۰۰۰ بوده لذا معنی داری کل رگرسیون قابل تأیید است. نتایج آزمون فرضیه های مدل نشان دادند اندازه شرکت با توجه به آماره تی (۵.۸۷۸) و معناداری (۰.۰۰۰)، فرصت رشد (۵.۰۱۰) و معناداری (۰.۰۰۰)، بازده دارایی (۷.۴۱۸) و معناداری (۰.۰۰۰) که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، معنادار و مثبت می باشد. همچنین اهرم مالی با توجه به آماره تی (-۰.۱۷۵) و معناداری (۰.۸۶۰)، سود تقسیمی (-۰.۲۹۴) و معناداری (۰.۷۶۸) بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است، معنادار نمی باشد. به عبارتی در سطح اطمینان ۹۵٪ می توان گفت متغیرهای اندازه شرکت، فرصت رشد، بازده دارایی ها بر مدیریت ریسک سازمانی تاثیر داشته و متغیرهای اهرم مالی، سود تقسیمی بر مدیریت ریسک سازمانی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر ندارد.

۷- بحث و نتیجه گیری

بر خلاف تئوری های مالی کلاسیک، که هنرش در کاهش هزینه و تاکید آن بیشتر بر انجام معاملات متمرکز بود تا با کاهش هزینه، با شدت گرفتن رقابت بین شرکت ها در مشتری یابی برای محصولات و خدماتشان و همچنین

افزایش قدرت مشتری در دنیای رقابتی امروز پیشی بگیرند، سازمانها دیگر نه تنها باید به دنبال کاهش هزینه‌ها باشند، بلکه باید دست به پیش بینی و شناسایی ریسک‌های صنعت و برقراری روابطی مستحکم با آنان را نیز مورد توجه قرار دهند. در این تحقیق به عوامل مدیریت ریسک سازمانی شرکت‌ها در قلمرو زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، نتایج و یافته‌ها نشان داد کل مدل‌های رگرسیونی معنی داری بوده و همچنین متغیرهای اندازه شرکت، فرصت رشد، بازده دارایی‌ها بر مدیریت ریسک سازمانی تاثیر داشته و متغیرهای اهرم مالی، سود تقسیمی بر مدیریت ریسک سازمانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر ندارد. در مورد فرضیه اول، تاثیر اندازه شرکت بر مدیریت ریسک سازمانی به نظر می‌رسد که شرکت‌های بزرگ به عنوان یک نتیجه از افزایش محدوده و پیچیدگی ریسک، نیاز بیشتری به یک سیستم مدیریت ریسک کارآمد دارند و از آنجایی که بیشتر شرکت‌های متنوع شده با افزایش پیچیدگی ریسک مواجه هستند. نتایج این فرضیه با تحقیق هویت لینبرگ (۲۰۱۱)، همسو می‌باشد. در فرضیه دوم تاثیر اهرم مالی بر مدیریت ریسک سازمانی نشان داده شد که رابطه منفی بوده ولی معنادار نمی‌باشد. یک سیستم مدیریت ریسک کارآمد در موسسات دارای اهرم بالا زبان‌های بالقوه را به ویژه در شرایط وجود بحران‌های مالی کاهش می‌دهد، تقویت می‌کند. اهرم بیش از حد می‌تواند احتمال ورشکستگی را افزایش دهد و صاحبان بنگاه را متحمل هزینه‌های مالی کند. البته در این رابطه با اهرم مالی نتایج مبهم است.

فرضیه سوم به تاثیر فرصت‌های رشد بر مدیریت ریسک سازمانی می‌پردازد. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین فرصت رشد شرکت و مدیریت ریسک وجود دارد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که مدیریت ریسک سازمانی نه تنها موجب کاهش ریسک می‌شود، بلکه روش‌های بهینه‌ای را فراهم می‌آورد تا فرصت‌های رشد بالقوه محقق شوند. نتایج این فرضیه با تحقیق آلابانیس و واتسون (۲۰۰۱)، همسو می‌باشد. در فرضیه چهارم نشان داده شد که نرخ بازده دارایی بر مدیریت ریسک سازمانی تاثیر دارد. یکی از مزایای عمده اجرای مدیریت ریسک سازمانی کاهش تغییرپذیری سود و عملکرد بهتر سازمانی است. بنابراین می‌توان انتظار داشت افزایش تغییرپذیری سود، احتمال استفاده از یک سیستم جامع ریسک را افزایش دهد. نتایج این فرضیه با تحقیق عسگرنژاد نوری و امکانی (۱۳۹۶)، سازگار می‌باشد.

در فرضیه پنجم مشخص شد که سود تقسیمی بر مدیریت ریسک سازمانی تاثیر ندارد. انتظار می‌رود شرکت‌هایی که نسبتاً پیچیده‌تر هستند، احتمالاً از تصویب برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی سود بیشتری خواهند برد و سود تقسیمی نیز افزایش یابد. البته نتایج این فرضیه برخلاف تحقیقات جلیلون و همکاران (۱۳۹۸) و هویت لینبرگ (۲۰۱۱) می‌باشد.

یافته‌های تحقیق پیامدهای مهمی را برای تدوین کنندگان استانداردها ارائه می‌دهد و برای محققان، مدیران و دیگر کاربران صورت‌های مالی نیز ارزشمند است. براساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود شرکت‌های تجاری از واحدهایی مجزا برای مدیریت اثربخش ریسک و یا به عبارت بهتر از کمیته‌های تخصصی مدیریت اثربخش ریسک استفاده کنند تا اینگونه عملکرد مالی خود را بتوانند بهبود دهند. توجه به سیاست‌های تأمین مالی شرکت‌ها برای

ایجاد ساختار سرمایه بهینه، راهکار دیگری است که تأثیر مدیریت اثربخش ریسک را در عملکرد مالی می تواند تقویت کند.

برای انجام پژوهش های آینده، پیشنهاد می شود تأثیر متغیرهایی مانند ویژگی های مدیریتی، انواع ساز و کارهای کنترل، سیستم های حسابداری مدیریت بررسی شود. علاوه بر آن پیشنهاد می شود تأثیر مدیریت اثربخش ریسک در شاخص های نوین عملکرد مالی مانند ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده نقدی و ارزش افزوده بازار بررسی شود. همچنین نقش مدیریت اثربخش ریسک را در بهبود شاخص های عملکرد بازار مانند بازده سهام، نسبت قیمت به درآمد، حجم معاملات و غیره می توان بررسی کرد. گفتنی است پژوهش حاضر با محدودیت های خاصی مواجه است. از جمله اینکه کیفیت پایین گزارش های مالی شرکت ها باعث می شود در برخی موارد با وجود حسابرسی قانونی، استانداردها و قوانین به درستی رعایت نشوند. کارانبودن بورس اوراق بهادار ایران به صورت یک عامل مداخله گر دیگر مطرح است که نتایج پژوهش را می تواند تحت تأثیر قرار دهد و پژوهشگر، آن را نمی تواند کنترل کند. در نهایت با توجه به اینکه اطلاعات، رکن اصلی و اساسی برای هر پژوهش محسوب می شود، نبود داده های ضروری این پژوهش در برخی موارد موجب شد تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نشوند.

فهرست منابع

- * جلیوند، بوالحسن، رستمی نوروزآباد، مجتبی، عسکری فیروزجایی، احسان، رحمانیانی. میلاد، (۱۳۹۸)، پیاده سازی مدیریت ریسک سازمانی؛ شناسایی، تحلیل و ارزیابی مورد مطالعه: نهاد مالی فعال در بازار سرمایه ایران، مدیریت دارایی و تامین مالی، دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۵، ص ص ۱-۲۴.
- * شیدایی، علی، (۱۳۹۶)، شناسایی و رتبه بندی عوامل تأثیر گذار بر ریسک صنعت لیزینگ به روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مطالعه موردی شرکت واسپاری ملت (سهامی عام)، فصلنامه دانش سرمایه گذاری، دوره ۶، شماره ۲۴، ص ص ۲۱-۳۸.
- * عسگرنژاد نوری، باقر، امکانی، پریسا. (۱۳۹۶). تأثیر مدیریت اثربخش ریسک در عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: نقش واسطه ای سرمایه فکری و اهرم مالی، مدیریت دارایی و تامین مالی، شماره ۲، ص ص ۹۳-۱۱۲.
- * قادری، کاوه، قادری، صلاح الدین، و قادری، سامان. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین اطمینان بیش از حد مدیران و اثر بخشی مدیریت ریسک، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۷، ص ص ۲۴۳-۲۷۲.
- * والا، شبنم، (۱۳۹۸)، سطح بندی شاخص های موثر بر مدیریت ریسک سازمانی با استفاده از تکنیک ISM، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال سوم، شماره ۳۱، ص ص ۵۸-۷۰.
- * حسینی، سید عبدالرضا، حسینی، سید محمد حسین، سید مطهری، سید مهدی، (۱۳۹۳)، رابطه ای استفاده از فنون مدیریت ریسک با عملکرد شرکت های فعال صنایع غذایی، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳، ص ص ۴۵-۶۰.

- * Allayannis, G., and J. Weston, (2001), The Use of Foreign Currency Derivatives and Firm Market Value, *Review of Financial Studies*, 14: pp 243-276.
- * Beasley, M. S., R. Clune, and D. R. Hermanson, (2005), Enterprise Risk Management: An Empirical Analysis of Factors Associated with the Extent of Implementation, *Journal of Accounting and Public Policy*, 24: pp 521-531.
- * Beasley, M. S., D. Pagach, and R. Warr, (2008), The Information Conveyed in Hiring Announcements of Senior Executives Overseeing Enterprise-Wide Risk Management Processes, *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 23: pp 311-332.
- * Bowling, D. M., & Rieger, L. A. (2005). Making sense of COSO's new framework for enterprise risk management. *Bank Accounting & Finance*, 18(2), pp 29-34.
- * Cole, C. R., and K. A. McCullough, (2006), A Reexamination of the Corporate Demand for Reinsurance, *Journal of Risk and Insurance*, 73: pp 169-192.
- * Etges, A., Grenon, V., Siqueirade, J., Francisco, S., Aparecida Felix, E. (2018). ERM for Health Care Organizations: An Economic Enterprise Risk Management Innovation Program (E2RMhealth care), *Value in Health Regional*, 17, pp 102-108.
- * Gordon, L. A., Loeb, M. P., & Tseng, C. Y. (2009). Enterprise risk management and firm performance: A contingency perspective. *Journal of Accounting and Public Policy*, (4)28, pp 301-327.
- * Hoyt, R. E., and H. Khang, (2000), On the Demand for Corporate Property Insurance, *Journal of Risk and Insurance*, 67: pp 91-107.
- * Hoyt, R. E., & Liebenberg, A. P. (2011). The value of enterprise risk management. *Journal of Risk & Insurance*, 78(4), pp 795-822.
- * Jensen, M. C., (1986), Agency Costs of Free Cash Flow, *Corporate Finance and Takeover*, *American Economic Review*, 76: pp 323-329.
- * Johnston, J., Soileau, J., (2020). Enterprise Risk Management and Accruals Estimation Error, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2020.100209>.
- * Juliano Rodrigues da Silva, Aldy Fernandes da Silva & Betty Lilian Chan, (2018). Enterprise Risk Management and Firm Value: Evidence from Brazil, *Emerging Markets Finance and Trade*, DOI: 10.1080/1540496X.2018.1460723
- * Liebenberg, A. P., and R. E. Hoyt, (2003), Determinants of Enterprise Risk Management: Evidence From the Appointment of Chief Risk Officers, *Risk Management and Insurance Review*, 6: pp 37-52.
- * Meulbroek, L. K., (2002), Integrated Risk Management for the Firm: A Senior Manager's Guide, *Journal of Applied Corporate Finance*, 14: 56-70.
- * Muslih, M., (2019), The Benefit of Enterprise Risk Management (ERM) On Firm Performance, *Indonesian Management and Accounting Research*, Vol 17(02), pp 169- 185.
- * Pagach, D., and R. Warr, (2010), The Effects of Enterprise Risk Management on Firm Performance. *WorldWideWeb*: <http://ssrn.com/abstract=1155218> (accessed April 10, 2010).
- * Smithson, C. and B. J. Simkins, (2005), Does Risk Management Add Value? A Survey of the Evidence, *Journal of Applied Corporate Finance*, 17: pp 8-17.
- * Standard & Poor's, (2007), Industry Report Card: Enterprise Risk Management Can Help U.S. Commercial Lines Insurers Ward Off Irrational Pricing, April 30.

Factors affecting organizational risk management in companies listed on the Tehran Stock Exchange

Mohammad Hosein Pour Ahmadi

Ph.D Student, Department of Accounting, Faculty of Economics and Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
mohamadsaina@yahoo.com

Gholam Reza Farsad Amanollahi

Assistant Professor Department of Accounting, Faculty of Economics and Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
g.f1966@yahoo.com

Zahra Lashgari

Assistant Professor Department of Accounting, Faculty of Economics and Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
zahra.lashgari@gmail.com

Abstract

Enterprise risk management can identify, measure, control, and monitor risk levels. The issue of enterprise risk management has been of interest to companies in recent years. The purpose of this study is to determine the implementation of enterprise risk management programs and then to examine the factors affecting the management of organizational risk 118 companies during the years 1388 to 1398. Factors such as firm size, growth opportunity, return on assets, financial leverage and dividends were also used as factors influencing the implementation of enterprise risk management. The test results of the hypotheses showed that the size of the company with 0.2853 and growth opportunity with 0.2349 multipliers is meaningful and positive. Also, financial leverage with -0.03935 and dividend with -0.01095 don't have significance. In other words, at the 95% confidence level, firm size, growth opportunity, return on assets have an impact on enterprise risk management and financial leverage, dividend variables have no effect on enterprise risk management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. In other words, enterprise risk management can improve the operational performance and increase the value of the company, and companies that are exposed to high risk due to environmental uncertainty can prevent and control the adverse effects of risk

Keywords: Enterprise risk management, Firm size, Growth opportunity, Return on assets, Financial leverage, Dividends.

